د کابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

Educational and Pedagogical Principles in the Light of Imam al-A'zam Abu Hanifa (May Allah Have Mercy Upon Him) Advisory Testament to His Student- Al-Samti

Mohammad Reza Khalili[1], Saifulrahman Elham[2]

[1]Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Sharia, Kabul University, Afghanistan

[2]Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Sharia, Kabul UniversityAfghanistan

Email: Rezarustaqi82@gmail.com

Article History

Recevied: May 10, 2026

Accepted: September 19, 2026

Published: September 22, 2026

Abstract

This study investigates and analyzes the principles of education and pedagogy within the Islamic literary heritage, with a specific focus on the "Educational Testament" (Wasiyyah) of Imam-i A'zam Abu Hanifa (May Allah have mercy upon him) addressed to his student, Yusuf bin Khalid al-Samti. This research aims to extract the fundamental pedagogical, ethical, and psychological principles from this historical document and align them with the requirements of contemporary educational systems. Methodologically, this study uses a descriptive-inferential approach grounded in content analysis. The findings reveal that Imam Abu Hanifa's testament is not merely a set of individual moral exhortations, but rather a comprehensive framework for classroom management and social interactions. These principles are categorized into three main domains: First, "Ethical and Social Principles," which emphasize values such as affection, generosity, and good character. Second, "Pedagogical and Instructional Principles," which demonstrate the Imam's ingenuity in pioneering concepts like curriculum design, understanding student profiles, accommodating individual differences, graduated instruction, and motivation. Third, "Principles Concerning the Teacher's Exemplary Character," encompassing neat appearance, tolerance, academic dignity, and patience. The study concludes that many modern educational disciplines are deeply rooted in the practices of early Islamic scholars. Therefore, it is recommended that educational systems, rather than exclusively imitating imported models, use this rich indigenous heritage to develop curricula and educational administration guidelines.

Keywords

Educational Testament (Wasiyyah); Islamic Education; Imam Abu Hanifa; Yusuf bin Khalid al-Samti; Teaching Methodology; Teacher Ethics

Khalili, M. R., & Elham, S. (2026). Educational and Pedagogical Principles in the Light of Imam al-A'zam Abu Hanifa (May Allah Have Mercy Upon Him) Advisory Testament to His Student- Al-Samti. *Journal of Social Sciences - Kabul University*, *9*(2), 279–298. https://jss.edu.af/jss/article/view/501

دکابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

اصول تعلیم و تربیهٔ اسلامی در پرتو وصیت‌نامهٔ امام اعظم ابو حنیفة رحمه‌الله به شاگردش یوسف سمتی

پوهنمل دکتور محمدرضا خلیلی[1]، پوهنمل دکتور سیف الرحمن الهام[2]

[1،2]دیپارتمنت فقه قوانین، پوهنځی شرعیات، پوهنتون کابل، افغانستان

ایمیل: Rezarustaqi82@gmail.com

تاریخچه

تاریخ دریافت:
۲۰ ثور ۱۴۰۵

تاریخ پذیریش:
۲۸ سنبله ۱۴۰۵

تاریخ نشر:
۳۱ سنبله ۱۴۰۵

چکیـده

این تحقیق به بررسی و تحلیل اصول تعلیم و تربیت در میراث مکتوب اسلامی، با تکیه بر «وصیت‌نامه تربیتی» امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله خطاب به شاگردش، یوسف بن خالد سَمتی، می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، استخراج اصول بنیادین آموزشی،اخلاقی و روان‌شناسی از این سند تاریخی و تطبیق آن با نیازمندی‌های نظام تعلیم وتربیه است. این مطالعه با روش «توصیفی-استنباطی» و با استفاده از تحلیل محتوا صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وصیت‌نامه امام ابوحنیفه رحمه الله تنها یک توصیه اخلاقی فردی نیست، بلکه یک اصول جامع برای مدیریت صنف و تعاملات اجتماعی است. این اصول در سه محور کلی طبقه‌بندی شده‌اند: «اصول اخلاقی و اجتماعی» که بر ارزش‌هایی چون مودت، سخاوت و حسن خلق تأکید دارد، «اصول آموزشی و تعلیمی» که نشان‌دهنده نبوغ امام ابوحنیفه رحمه‌الله در طرح مباحثی پیشرو نظیر طراحی برنامه درسی، شناخت ویژگی‌های محصل، رعایت تفاوت‌های فردی، آموزش گام‌به‌گام و انگیزه‌بخشی است، «اصول مربوط به شخصیت الگوگونهٔ معلم» که شامل آراستگی ظاهری، مدارا، وقار علمی و صبر می‌شود. نتیجهٔ تحقیق نشان میدهد که ریشه‌های بسیاری از علوم تربیتی مدرن در سیره علمای متقدم اسلامی وجود دارد و پیشنهاد می شود که نظام‌های آموزشی به‌جای الگوبرداری از مدل‌های وارداتی، از این میراث غنی و بومی برای تدوین سرفصل‌های تعلیم وتربیه و مدیریت آموزشی بهره‌برداری نمایند.

واژه‌های کلیدی

تعلیم و تربیت اسلامی؛ وصیت تربیتی؛ امام ابوحنیفه؛ یوسف بن خالدسمتی؛ روش تدریس؛ اخلاق معلم

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سید المرسلین و علی آله و اصحابه اجمعین. الله متعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لاَ يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الأَلْبَابِ﴾ (سورةالزمر/۹). همچنین از رسول اکرم ﷺ روایت شده است: «هر کس راهی را بپیماید که در آن دانشی بجوید، خداوند او را به مسیری از راه‌های بهشت رهنمون می‌سازد... و همانا علما وارثان پیامبرانند» (ابوداود، حدیث ۳۶۴۱). این فضیلت عظیمِ علمای امت، محصول وراثت آنان از مشکات نبوت و تمایزشان در دانش ژرف، فهم دقیق و عمل خالصانه است تا همواره مناره‌های هدایتی باشند که مسیر جهانیان را روشن می‌سازند.

از جمله این نوابغ، امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله است که در شأن ایشان سخن امام شافعی رحمه‌الله کفایت می‌کند: «مردم در فقه، ریزه‌خوارِ (نیازمندِ) دسترخوان علمی ابوحنیفه هستند». البغدادي، ۱۳: ۳۲۳) مکتب ایشان ریشه در تاریخ دارد؛ از زمانی که پس از وفات استادشان، حماد بن ابی‌سلیمان (متوفی ۱۲۰ ه.ق)، در صدر حلقه علمی مسجدکوفه نشست، بر جایگاه علمی ایشان افزوده شد تا جایی که مذهب وی در سراسر جهان اسلام گسترش یافت.

شیوهٔ تعلیم وتربیه ایشان صرفاً مبتنی بر القای یک‌طرفه (استاد محوري نبود)، بلکه بر روش‌های گفتگومحور، مباحثه و مناظره استوار بود. ایشان مسئله‌ای را طرح نموده، نظرات مخاطبان را استماع می‌کرد و سپس به مناظره می‌پرداخت تا به نتیجه‌ای مشترک واصول کلی دست یابند.

این روش موجب ارتقای علمیِ هم‌زمان معلم و متعلم می‌گشت. امام ابو حنیفة رحمه‌الله همواره پیگیر وضعیت شاگردان بود و آنان را متناسب با همت، اخلاق و نیازهای معیشتی یاری می‌رساند. از این رو، ایشان از «وصیت» به‌عنوان راهنمود تربیتی برای رهنماي محصلان پس از دوران تحصیل استفاده می‌کرد. از جمله این وصایا، می‌توان به وصیت ایشان به امام ابویوسف، نوح بن ابی‌مریم و یوسف بن خالد سمتی رحمهم الله اشاره کرد.

اهمیت این تحقیق در محورهای زیر تجلی می‌یابد:

۱. بهره‌مند سازي مربیان، معلمان و مبلغان از نتایج این تحقیق جهت تدوین یک نظام تربیتی اسلامیِ استوار بر اصول اصیل تعلیم وتربیه.
۲. مشارکت علمی در تبیین مفاهیم، ارزش‌ها، معیارها و روش‌های آموزشی و تربیتی از دیدگاه اسلام.

۳. کوشش برای دستیابی به اصول‌های تعلیمي و تربیتی بر اساس تحلیل وصیت‌نامه امام اعظم به شاگردش، سمتی رحمهما الله.

٤. تمایل جمع بندي در مابین دو محیط تعلیم و تربیه جهت ارتقای غنای علمی تحقیق.

قواعد و ضوابط تعلیم وتربیه اسلامی یکی از مهمترین ضرورت اساسی جامعه است. لذا تحقیق حاضر گامی جهت استخراج و تحلیل اصول تعلیم و تربیهٔ اسلامی از وصیت نامهٔ امام اعظم ابو حنیفة رحمه الله تعالی به شاگردش یوسف السمتی است.

اهداف تحقیق: این تحقیق اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱. تخریج وتحلیل اصول تعلیم وتربیه در وصیت‌نامه امام اعظم به شاگردش، یوسف بن خالد سمتی رحمهما الله است.
۲. تبیین مبادئ اصول تعلیم وتربیه در سیره سلف صالح.
۳. معرفي اصول امام اعظم رحمه الله در زمینه‌های آموزشی و پرورشی.
٤. استخراج مفاهیم، ارزش‌ها واصول تعلیمي وتربیتی مندرج در وصیت‌نامه مذکور.
۵. تلاش در جهت بومی‌سازی و ریشه‌یابی اصول اسلامیِ تعلیم و تربیه به عنوان یک ضرورت در عصر حاضر.

پیشینه تحقیق

محمد نور ابراهیم (۱۴۳۱ ه.ق): استخراج مضامین عبادی واخلاقی از وصایای نبوی.

تحقیق محمد نور ابراهیم بر متون روایی و احادیث نبوی متمرکز است و هدف آن استخراج مضامین عبادی و فردی-اخلاقی است. اما تحقیق حاضر، از سطح روایات عام فراتر رفته و بر یک سند تاریخیِ بومی (توصیه یک استاد به شاگرد) تمرکز دارد. وجه تمایز اصلی این است که تحقیق حاضر علاوه براخلاقیات، به طور تخصصی به استخراج مفاهیم مدرنِ تعلیم (پداگوژی) نظیر طراحی برنامه درسی و مدیریت صنف پرداخته است که در تحقیق مذکور به این شکلِ تطبیقي برای یک معلم، مطرح نبوده است.

عبدالله الرحیلی (۱۴۳۰ ه.ق): تبیین کارکردهای تربیتی در وصایای علمای شرق در قرن هفتم هجری.

تحقیق عبد الله الرحیلی گستره‌ای وسیع از وصایای علمای منطقه شرق‌زمین را در قرن متأخرتری قرن هفتم هجری مورد بررسی قرار داده است. در مقابل، تحقیق حاضر از نظر تاریخی بسیار به صدر اسلام نزدیک‌تر است (قرن دوم هجری) و به جای بررسی کلیپِ چندین عالم، تمرکز خود را به

صورت عمیق و انحصاری بر سیره و روش تربیتیِ بنیانگذارِ پرپیروترین مذهب فقهی اسلام (امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله) معطوف کرده است تا الگویی خاص و متمرکز ارائه دهد.

الجرجاوی و ابومرق (۲۰۰۰ م): معجزه تربیهٔ ارزش‌مدارِ شخصیت در وصیت لقمان به فرزندش در قرآن.

تحقیق استاد زیاد علي الجرجاوی و ابومرق مبتنی بر متن وحیانیِ قرآن کریم و ناظر بر وصایای لقمان حکیم است. فضای حاکم بر وصایای لقمان، فضای تربیت خانوادگی و رابطه پدر و فرزند برای نهادینه‌سازی ارزش‌های اعتقادی است. اما تحقیق حاضر بر یک متن تاریخیِ بر قرآن تکیه دارد و فضای حاکم بر آن، فضای حرفه‌ای، علمی و آکادمیک و ناظر بر رابطه استاد و شاگرد است. وصیت امام ابوحنیفه رحمه الله در واقع یک دستورالعمل جامع شغلی و اجتماعی برای یک فردِ تحصیل کرده است که می‌خواهد وارد عرصه تدریس، دعوت و تعاملات پیچیده اجتماعی شود.

مبانی نظری

اصول: در لغت جمعِ کلمه «اصل»، و به معنای پایه، ریشه و اساسِ یک چیز است؛ چنان‌که در بسیاری از کتب لغت به این معنا تصریح شده است (ابن‌فارس، ۱۹۷۹، ۱:۲۵۷) فیروزآبادی ۲۰۰۵، ص۳۶۰). در همین راستا، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾(ابراهیم/۲۴)آیا ندیدی خداوند چگونه مَثَل زده است: کلمه پاکیزه مانند درختی پاکیزه است که ریشه (اصل) آن استوار و شاخه‌اش در آسمان است.

اصول در اصطلاح: معانی متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) دلیل (مدرک): مانند این گفتار که: «اصل در وجوب حج، این فرموده خداوند متعال است: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل‌عمران/۹۷) ؛ که مقصود از «اصل» دراین عبارت، همان «دلیلِ» وجوب است.

ب) قاعده: قانون کلی مانند این گفتار که: «اصل آن است که نَص (کلام صریح) بر ظاهر مقدم است و یا «اصل بر این است که امور در گرو مقاصد آن‌هاست (الأمور بمقاصدها)» (ابن‌نجار، بی‌تا، ۱، : ۳۹-۴۰). این کلمه بر معانی دیگری نیز اطلاق می‌گردد، اما در تحقیق حاضر، مقصود از کلمه «اصل»، همین معناي اخیر (قاعده وقانون) است.

۲ .تعلیم: در لغت: از ریشه «علم» مشتق شده و به معنای قرار دادن علامت یا نشانه‌ای برای دلالت بر یک شیء (بدون نیاز به حضور فیزیکیِ آن) است. مصدر آن در قالب «عَلَّمَهُ تَعْلِيماً» (به او آموزش

داد) به کار می‌رود (فیروزآبادی، ۲۰۰۵: ۲۴۰). استفادهٔ این کلمه در کلام خداوند متعال نیز دیده می‌شود؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾(سورةالبقره/۳۱) و خداوند همه نام‌ها را به آدم آموخت. و نیز می‌فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾ (سورة الرحمن/۲-۱). خدای متعال، قرآن را آموزش داد.

تعلیم در اصطلاح: تعلیم عبارت است از «فرایندی که در آن، معلم تلاش می‌کند تا با شاگردان خویش تعامل برقرار نموده و از طریق یک ارتباطِ مستقیمِ دوجانبه، دانشی سودمند و کارآمد را به آنان ارائه دهد» (عطیه، ۲۰۱۳م).

۳ .تربیه: در لغت: از ریشه «رَبَا، یَرْبُو، رُبُوّاً وَرِباءً» به معنای رشد کردن و نمو یافتن اخذ شده است. عبارت «رَبّاهُ تَرْبِیَةً» بدین معناست که سرپرستیِ او را بر عهده گرفت و به‌نیکویی به پرورش او پرداخت تا آنکه از دوران کودکی عبور کرد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ هـ،۲: ۳٤۰).

تربیه در اصطلاح: تعریف اصطلاحیِ «تربیه»، وابستگی تام به مبانی و رویکردهای فلسفیِ جوامع انسانی در پرورش نسل‌ها و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و باورهایشان دارد. همچنین، تعریف آن بر اساس دیدگاه‌های گوناگون پیرامون مفهومِ «فرایند تربیتی»، روش‌ها و ابزارهای آن متفاوت است. با این حال، از مهم‌ترین تعاریف اصطلاحیِ آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تربیت: پرورش دادن و رساندنِ تدریجی (مرحله‌به‌مرحلهِ) یک پدیده به مرز کمال (المناوی، ۱۹۹۰، ص ۱۸۹).
۲. تربیت: هر عاملی که ابعاد جسمانی، عقلانی، روحانی، حِسی، وجدانی و عاطفیِ انسان را تغذیه نموده و پرورش دهد (محجوب، ۱۳۹۸، ص ۱٦۰).

مفهوم وصیت و اهمیت آن

مفهوم وصیت: «التمر» بیان می‌کند که قدیمی‌ترین کسی که توضیح روشنی از وصیت ارائه داد، امیر اسامة بن منقذ (متوفی ۵۸۴ ه.ق) بود که می‌گوید: «وصیت دو نوع است؛ وصیت زندگان به زندگان که عبارت است از: ادب، امر به معروف، نهی از منکر، برحذر داشتن از لغزش، و آگاهی‌بخشی برای عمل صالح. و وصیت مردگان که ناظر به حقی است که ادای آن بر بازماندگان واجب است و دینی است که باید ادا شود» (التمر،۲۰۱۲). بدین ترتیب می‌توان وصیت را به دو بخش تقسیم کرد: نخست، وصیت فقهی که غالباً مربوط به امور مالیِ شخص در هنگام مرگ است؛ و دیگری، وصیت ادبی و تربیتی که فردی سردوگرم‌چشیده، با بینانهٔ فوق العاده برای انسانی عزیز صادر می‌کند تا او را به خیری

ترغیب نموده و از لغزشی برحذر دارد (التمر،۲۰۱۲). با این حال، اصطلاح «وصیت تربیتی» یک اصطلاح نسبتاً جدید است. «الفریح» آن را چنین تعریف کرده است: «ثمره فکری‌ای که فرد از تجربیات زندگی روزمره و از تعامل این تجربیات با محیط و جامعه خود به دست می‌آورد» (الفریح، ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۱٤۸). «سعید» نیز در تعریف آن می‌نویسد: «هنری از هنرهای ادبیات منظوم یا منثور که آفریننده آن، تجربیات خاص یا نظرات شخصی خود را در آن تجسم می‌بخشد و مایل است آن‌ها را به صورت خالصانه به فرزندان، دوستان یا افراد جامعه خود ارائه دهد» (سعید، ۱۴۲۱ ه.ق، ص ۳٤۰).

از دیدگاه محقق، وصیت تربیتی یک روش آموزشی-پرورشی است که بر پایه ساختار علمی و تجربیات عملی بنا شده است؛ وصیت‌کننده با تکیه بر این دو عنصر، راهنمایی‌هایی را به پیروان خود ارائه می‌دهد تا به یک هدف تربیتیِ مطلوب دست یابند.

اهمیت وصیت تربیتی: وصیت در انواع مختلف خود، همگام با حضور انسان در این کره خاکی پدیدار شد. کتب تاریخی وصایایی را از حضرت آدم علیه‌السلام، و همچنین از پادشاهان، حکیمان و عالمان در زمان‌های گوناگون نقل کرده‌اند. هدف در اینجا اثبات یا رد صحت تاریخیِ تک‌تک این وصایا نیست، بلکه هدف، اشاره به قدمتِ استفاده از وصیت به عنوان ابزاری هدایتی و بیان اهمیت آن است. عربها قبل از اسلام نیز با این مفهوم آشنا بودند و کتب ادبی سرشار از این متون است.

با ظهور اسلام، این دین نه تنها با وصیت مبارزه نکرد، بلکه قالب و چارچوبی متأثر از فرامین الهی به آن بخشید. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ﴾(سورة النساء/۱۳۱) ترجمه: و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شد و نیز به شما سفارش کردیم که از خدا پروا کنید.

در سایه اسلام، توجه به وصیت و اهداف آن گسترش یافت و اهمیت تربیتی آن با استفاده مکرر توسط مربیان مسلمان بیش از پیش نمایان شد. به عنوان مثال، امام قشیری (متوفی ۴٦۵ ه.ق) باب آخر رساله خود را به «وصیت به مریدان» اختصاص داده است. غزالی (متوفی ۵۰۵ ه.ق) رساله‌ای با عنوان «أیها الولد» (ای فرزند) نگاشته و ابن عربی (متوفی ٦۳۸ه.ق) در کتاب «وصایا، ۱۹۸۸، ص ۹۸). اهمیت این موضوع را چنین به نظم کشیده است:

لولا الوصيةُ كان الخلقُ في عمهٍ *** وبالوصيةِ دامَ المُلكُ في الدولِ

فاعملْ عليها ولا تهملْ طريقتها *** إنّ الوصيّةَ حكمُ اللهِ في الأزلِ.

ترجمه: اگر وصیت نبود، خلایق در سرگردانی بودند / و به واسطه وصیت است که حکمرانی

در دولت‌ها دوام یافته است.

پس به آن عمل کن و راه و رسم آن را وانگذار /که همانا وصیت، حکمِ ازلیِ خداوند است.

در حقیقت میراث مکتوب عربی و اسلامی، در ذات خود یک میراث تربیتی و آموزشی است (ملکاوی، ۲۰۱۸م، ص۱۰۲). البته وصیت یکی از مؤثرترین ابزارها برای تأثیرگذاری بر متعلم به شمار می‌رود. از آنجا که وصیت دربردارنده اطلاعاتی است که محصل همواره به یادآوری آن‌ها نیازمند است، بر معلمان و مربیان لازم است که به آن به عنوان یک روش کارآمد توجه کنند (الرحیلی، ۱۴۳۰ ه.ق، ص۳۰۲).

معرفی وصیت‌نامه امام ابوحنیفه به شاگردش یوسف بن خالد سمتی رحمهماالله

این وصیت‌نامه در دنیای آکادمیک امروز از طریق نسخه‌های خطیِ موجود در کتابخانه‌های جهانی شناخته شده است. علی‌رضا و احمد توران قره‌بلوط در کتاب «معجم تاریخ التراث الإسلامی فی مکتبات العالم» ذیل شرح‌حال شماره ۱۰۹۴۹ تحت عنوان «وصیت امام اعظم به شاگردش یوسف بن خالد سمتی بصری هنگام بازگشت به وطن» به آن اشاره کرده‌اند (بلوط، ۲۰۰۱). این وصیت‌نامه، بر اساس سه نسخه خطی تصحیح شده و به پیوستِ کتاب «تعلیم المتعلّم» اثر زرنوجی (با تصحیح عبدالجلیل عطا البکری) در قالب مجموعه «کنوز التربیة» توسط دارالنعمان در سال ۱۹۹۸ میلادی در دمشق به چاپ رسیده است. همین نسخه مطبوع، مبنای کار محقق در تحقیق حاضر بوده است.

معرفی امام اعظم ابوحنیفه و شاگردش یوسف بن خالد سمتی رحمهما الله

۱ .مام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله : نعمان بن ثابت بن زوطی، ملقب به ابوحنیفه، اصالتی کابلی داشت و در شهر کوفه دیده به جهان گشود و بالید. وی که از نظر زمانی پیش از سه امام دیگر اهل سنت می‌زیست، بنیان‌گذار مکتبی فقهی است که امروزه بیشترین پیروان را در جهان اسلام دارد. درباره سال تولد ایشان روایات مختلفی (از جمله سال‌های ٦٣، ٧٠ و ٨٠ هجری قمری) وجود دارد. ایشان سرانجام در سال ۱۵۰ هجری قمری در بغداد درگذشت و آرامگاه وی اکنون در محله اعظمیه این شهر قرار دارد. (الذهبي، ٦/ ٣٩٠ – ٤٠٣).

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در سفرهای خود به بصره، مکه و مدینه با مشهورترین علمای زمان به بحث وتبادل نظر پرداخت. در حلقه علمی ایشان محدثان بزرگی چون عبدالله بن مبارک وفقهای نامداری همچون ابویوسف، امام محمد شیبانی، زفر، حسن بن زیاد و همچنین زاهدانی چون فضیل بن عیاض و داود طائی پرورش یافتند. زندگی ایشان وقف علم، عبادت، زهد و تلاش برای رفاه

مسلمانان بود. امروزه بخش بزرگی از مسلمانان جهان در کشورهایی چون ترکیه، کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان، هند، بنگلادش و بخش‌هایی از کشورهای عربی پیرو مکتب فقهی ایشان هستند.(ابو الحاج، ۲۰۰۵م، ص ۲۰۹).

۲ .یوسف بن خالد سَمْتی: یوسف بن خالد بن عمر، مکنّی به ابوخالد سَمْتی، از یاران و شاگردان قدیمی امام ابوحنیفه رحمه الله بود و علم فراوانی از ایشان آموخت. صَیمَری او را از همنشینان دیرین امام ابو حنیفة رحمه الله می‌داند. هلال بن یحیی حکایت می‌کند که یوسف بن خالد می‌گفت»:کتاب‌های ابوحنیفه به سفیان ثوری عرضه می‌شد و او تأیید می‌کرد و می‌گفت: "این ،نظر من هم هست". تا اینکه "کتاب الرَّهن" (احکام گرو گذاشتن) که شامل مسائل بسیار دقیق و پیچیده‌ای بود به او عرضه شد. سفیان باز هم گفت: "این، نظر من هم هست"؛ اما اگر از او می‌خواستند تا یکی از آن مسائل پیچیده را شرح دهد، از عهده آن برنمی‌آمد». طحاوی از مُزَنی نقل می‌کند که امام شافعی رحمه‌الله درباره وی فرمود: «یوسف بن خالد از مردانِ نیک و برگزیده بود.« علی بن مَدینی روایت می‌کند: «نزد یوسف بن خالد بودیم که هلال بن یحیی وارد شد. یوسف برای آزمودن وی سؤالاتی فقهی پرسید؛ از جمله گفت: چه می‌گویی درباره مردی که به همسرش بگوید "تو یک بار طلاق داده شده‌ای در آخرین روز از اولِ ماه، و یک بار طلاق داده شده‌ای در اولین روز از آخرِ ماه؟" هلال پاسخ داد: ماه سی روز است؛ بنابراین وقتی روز پانزدهم فرا برسد، یک طلاق بر آن زن واقع می‌شود (زیرا آخرین روز از نیمه اول ماه است) و هنگامی که روز شانزدهم فرا برسد، طلاق دیگری واقع می‌شود (زیرا اولین روز از نیمه دوم ماه است).« وی از فقیهان برجسته حنفی و از راویان طبقه هشتم محسوب می‌شد و سرانجام در ماه رجب سال ۱۸۹ هجری قمری درگذشت (الصيمري، ۱۹۸۵م، ص ٤٠٣).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، یک تحقیق بنیادی تطبیقی است؛ زیرا علاوه بر تولید دانش نظری در زمینهٔ تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی، نتایج آن قابلیت تطبیق در الگوهای تربیتی معاصر را دارد، قلمرو این تحقیق بررسی اصول و مبانی تعلیم و تربیت (اخلاقی، اجتماعی و آموزشی) از منظر سلف صالح، شامل معرفی وصیت‌نامه امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله به یوسف بن خالد سمتی است. نسخه مورد استناد، نسخه تصحیح‌شده توسط عبدالجلیل عطا البکری (چاپ دارالنعمان دمشق، ۱۹۹۸ م.) است که خود بر اساس مقابله با سه نسخه خطی معتبر جهانی تهیه شده است.

روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مطالعه عمیق متن وصیت‌نامه بوده است. همچنین برای تبیین مفاهیم و اعتبار سنجی، از منابع

دست اول (قرآن کریم، کتب روایی و تاریخی) و منابع دست دوم (کتب تخصصی علوم تربیتی) بهره گرفته شده است. روش تجزیه وتحلیل داده‌ها در این مقاله تحلیل کیفی(استنباطی) وکمي(توصيفي) است . در این بخش، جملات و توصیه‌های مندرج در وصیت‌نامه به دقت مطالعه شده و با استفاده از روش استدلال منطقی و استنباط فقهی تربیتی، مضامین آشکار و پنهان آن‌ها در سه محور اصلی (اصول اخلاقی-اجتماعی، اصول آموزشی-کلاسی، و ویژگی‌های الگویی معلم) طبقه‌بندی و تحلیل شده است . برای درک بهتر میزان تأکید و تمرکز امام اعظم رحمه‌الله بر مفاهیم خاص، از روش تحلیل محتوای کمّی استفاده شد. و با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، در قالب جداول آماری (مانند جدول شماره ۱) ارائه شده‌اند. برای حفظ اعتبار علمی تحقیق، علاوه بر استفاده از معتبرترین نسخه چاپی وصیت‌نامه، اصلِ امانت‌داری در نقل‌قول‌ها، مستندسازی دقیق ارجاعات درون‌متنی و تطبیق مفاهیم استخراج‌شده با اصول قطعی شریعت اسلامی در تمامی مراحل تحقیق به شدت رعایت شده است. استخراج و تحلیل اصول تعلیم و تربیه اسلامي، و همچنین احساس نیاز به بومی‌سازی مطالعات تربیتی و بازگشت به هویت اصیل اسلامی، بازخوانی میراث سلف صالح را ضروری ساخته است.

یافته‌ها

محور اول: اصول تعلیم و تربیه اخلاقی واجتماعی در وصیت‌نامه امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله

اصول تعلیم و تربیه اخلاقی و اجتماعی در وصیت امام رحمه‌الله یکی از اصول کلی و اساسی برای پایه‌گذاری هر تمدن یا امتی، نهادینه کردن ارزش‌های والای اخلاقی و اجتماعی در جوامع است؛ چرا که این ارزش‌ها سنگ‌بنای موفقیت و ثبات افراد و جوامع بوده و پشتوانه و محافظِ تمامی ابعاد شخصیتی افراد در جامعه به شمار می‌روند. به همین دلیل، توجه اسلام به این اصول بیش از هر چیز دیگری است(حسن، ۱۹۸۵م، ص۱۸۹). اصول تربیهٔ اخلاقی و اجتماعی عبارت است از:

پایبندی به خیر و نیکی، دوری از شر و بدی: رعایت حقوق دیگران و احترام به آن‌ها. این امر با تحقق هدف غاییِ تربیه اسلامی، یعنی تقوا، خداترسی و حسن عبادت، ارتباطی تنگاتنگ دارد (فرحان، ۱۴۰۲ ه.ق، ص ۱۵۰). تربیت اسلامی ایجاب می‌کند که معلم و مربی به دانش‌آموزان و محصلان خود یادآوری کند که آنان تنها نیازمند علم نیستند، بلکه همواره به اخلاق نیکو محتاج‌اند؛ و بر اوست که از آموزش و دروس به عنوان ابزاری سودمند برای ساختار مستحکم اخلاقیِ دانش‌آموز استفاده کند. تربیه اخلاقی و اجتماعی روش‌هایی دارد که «الابراشی» به آن‌ها اشاره کرده است:

الف-روش مستقیم: مانند موعظه‌ها، اندرزها، حکمت‌ها، نصیحت‌ها و ضرب‌المثل‌ها. این روش در حال حاضر میان مربیان و نظام‌های تعلیمي بسیار رایج است.

ب- روش غیرمستقیم: روش القا و الهام از طریق داستان‌ها و اشعار که مفاهیم صداقت، عدالت و بخشش را به مخاطب منتقل می‌کنند.

ج- شبیه‌سازی (الگوبرداری): استفاده از الگوهای عملی، که در آن افراد تمایل دارند از کسانی که تحت تأثیرشان قرار گرفته‌اند پیروی کنند. این روش تأثیر شگرفی در یادگیری و تغییر رفتار دارد (الابراشی، ۱۹۸٦، ص ۱۹٦).

محققی که وصیت امام ابوحنیفة رحمه‌الله را مطالعه می‌کند، به‌وضوح متوجه اهتمام ویژه ایشان به اخلاق حسنه و استفاده از صیغه «امر» در بیان مکارم اخلاق و دوری از قالب شعر، داستان و مَثَل می‌شود؛ این‌ها دستوراتی صریح هستند که شاگرد باید اجرا کند.

نمونه ای از سخنان گهر بار ایشان: به عنوان نمونه، امام اعظم رحمه‌الله می‌فرمایند: «صداقت پیشه کن و دروغ را واگذار»، «سالخوردگان را احترام کن و با جوانان ونوجوانان مدارا نما»، «بر تو باد به مدارا، صبر، حسن خلق و سعه‌صدر»، «اطعام کن، که هیچ بخیلی هرگز سرور وبزرگ نشده است»، «گذشت داشته باش و امر به معروف کن»، «در ادای حقوق پیش‌قدم باش»، «با کسی که از تو بریده است بپیوند، و کسی را که به سویت آمد گرامی بدار»، «دوستی و محبت خود را به مردم نشان بده»، «سلام را آشکار کن، حتی بر گروهی لئیم و پَست»، «نیت نیکو را پیش‌قدم ساز»، «امانت را ادا کن، حتی اگر به تو خیانت کردند»، «با مردم همان‌گونه رفتار کن که با خودت رفتار می‌کنی» و «به وفاداری چنگ زن و به تقوا تمسک بجوی». (البکری، ۱۹۹۸م، ص۸۹).

این‌ها قواعد و اصول اخلاقی هستند که ریشه در کلام خداوند متعال دارند: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾(سورة البقره/۱۹۷) ترجمه: و توشه برگیرید که بهترین توشه پرهیزگاری است، و ای خردمندان از من پروا کنید. همچنین ریشه در فرموده پیامبر ﷺ دارند که فرمودند: «هیچ چیز در ترازوی اعمال، سنگین‌تر از حسن خلق نیست» (ابوداود، ۲۰۰۹، حدیث ۴۷۹۹) (ترمذی، ۱۴۰۸ هق، حدیث ۱۱٦۲).ترجمه «کامل‌ترین مؤمنان از نظر ایمان، خوش‌اخلاق‌ترینِ آنان هستند» در جدول شماره (۱)، اخلاقیات، میزان تکرار (فراوانی) و درصد آن‌ها بیان شده است که از طریق آن می‌توان به ارزش‌های اخلاقی‌ای که امام ابوحنیفة رحمه‌الله در وصیت خود بر آن‌ها تمرکز داشته پی برد.

***جدول ۱**: ارزش های اخلاقی امام ابو حنیفه*

شماره	ارزش‌های اخلاقی	تعداد	فراوانی (تعداد) درصد
۱	مودت (دوستی و محبت)	٦	١٦%
۲	سخاوت و بخشندگی	٤	١١%
۳	حُسن خُلق (خوش‌اخلاقی)	۳	٨%
٤	احترام به دیگران	۳	٨%
٥	پیش‌گامی (در کارهای نیک / ابتکار عمل)	۲	٦%
٦	پیوند و ارتباط (مقصود صله‌رحم است)	۲	٦%
۷	عفو و گذشت	۲	٦%
۸	وفاداری (وفای به عهد)	۲	٦%
۹	مدارا کردن	۱	۳%
۱۰	امر به معروف و نهی از منکر	۱	۳%
۱۱	تغافل (چشم‌پوشی از خطای دیگران)	۱	۳%
۱۲	عیادت از بیمار	۱	۳%
۱۳	حِلم (بردباری)	۱	۳%
١٤	تقوا (پرهیزکاری)	۱	۳%
١٥	صداقت (راستگویی)	۱	۳%
١٦	وفاداری	۱	۳%
۱۷	امانت‌داری	۱	۳%
مجموعا		۳٥	۱۰۰%

همان‌گونه که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود، «مودّت (دوستی و محبت)» در میان ارزش‌های اخلاقیِ مورد اشاره امام اعظم رحمه‌الله، در رتبه نخست قرار گرفته و ایشان توجه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. «السید» بیان می‌کند که مرحله‌ای پیش از آماده‌سازی معلم و مربی وجود دارد و آن، مرحله «گزینش» برای به دوش کشیدن امانت آموزش است. معلم واستاد قبل از انتخاب برای وظیفه تعلیم وتربیه، باید از فیلتر معیارهای خاصی بگذرد که مهم‌ترینِ آن‌ها تواناییِ جلب محبت و احترام محصلان است و این مهم جز از طریق حسن شهرت، اخلاق نیکو، بخشندگی و برتری علمی به دست نمی‌آید (السید، ۲۰۰٦م، ص۲۳۴). معلم، الگوی حسنه‌ای است که محصلان در زندگی خود از او سرمشق می‌گیرند، لذا باید به اخلاق نیکو آراسته باشد تا این امر در رفتار شاگردانش بازتاب یابد.

پس جای شگفتی نیست که امام اعظم رحمه‌الله بر جنبه اخلاقی و اجتماعی که محبت متقابل شاگرد و استاد را پرورش می‌دهد و روابطی مثبت میان معلم و شاگرد ایجاد می‌کند، تمرکز داشته باشد. مربی یا معلمی که شخصیتی محبوب در میان شاگردانش نداشته باشد، چه‌بسا تأثیری مخرب بر گرایش‌های آنان بگذارد (المطلق، ۲۰۱٦م). از مهم‌ترین ویژگی‌ها در توضیح قواعد اخلاقی در وصیت امام ابوحنیفه رحمه‌الله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. وضوح و سهولت حفظ: معانی آن‌ها روشن است و نیازی به شرح و تفسیر طولانی ندارد.

۲. تنوع: این قواعد متناسب با نیاز مخاطب و شرایط گوناگون اجتماعی متنوع هستند.

محور دوم: اصول تعلیمی و تربیتی در وصیت نامهٔ اما اعظم رحمه الله

۱. طراحی برنامه درسی(کورس پالسی): تصویری از یک برنامه است که دارای مراحل و گام‌های مشخص، تعیین زمان و مکان مناسب برای فرایند آموزش، برآورد منابع موجود و تعیین اهداف در یک محدودهٔ زمانی معین است. برنامه‌ریزی برای درس، امری ضروری است؛ زیرا موجب سازماندهی فرایند یادگیری شده و به مربی این امکان را می‌دهد تا با آمادگی و اعتمادبه‌نفس با موقعیت‌های گوناگون آموزشی مواجه شود (الشمری، ۲۰۰۳م، ص ۱۸۷). از این رو ،امام ابوحنیفة رحمه‌الله در وصیت خود به ضرورت نظم‌بخشی به صنف، توجه به نزدیکی محل برگزاری درس به محل تجمع محصلان برای سهولت دسترسی و تعیین اوقات مشخص برای شروع درس اشاره کرده و می‌فرمایند: «محل نشستنِ (تدریسِ) خود را نزدیک قرار ده، و این امر در اوقات مشخصی باشد» (البکری، ۱۹۹۸م، ص ۱۸۹).

۲ .تحلیل ویژگی‌های محصل: موفقیت در فرایند آموزش تنها به تسلط استاد بر ماده علمی بستگی ندارد، بلکه تا حد زیادی در گروِ تناسب مواد آموزشی و روش‌های تدریس با ویژگی‌های دانشجو و مهارت‌های خاص اوست. بنابراین، استاد باید مهارتِ تحلیل ویژگی‌های محصل و شناخت الگوهای رفتاری او را دارا باشد تا بتواند تفاوت‌های فردی را تشخیص داده و متناسب با آن‌ها، محتوا و روش‌های مفیدی را انتخاب کند (النجار،۱۹۹۹، ص ۲۱۲). تحلیل ویژگی‌های شاگرد توسط امام ابوحنیفه رحمه‌الله، به‌روشنی در مقدمه وصیت‌نامه دیده می‌شود؛ آنجا که امام ابوحنیفة رحمه الله می‌فرمایند: «من آنچه را قصد انجامش را داری برایت آشکار می‌کنم؛ گویی تو را می‌بینم که وارد بصره شده‌ای و به مخالفت با مخالفانت پرداخته‌ای، و خود را از آن‌ها برتر دیده‌ای و با علمِ خویش بر آنان فخر فروخته‌ای، و از معاشرت و آمیزش با آن‌ها کناره گرفته‌ای...».

سمتی رحمه الله می‌گوید: «و من دقیقاً قصد انجام همین کارها را داشتم.» امام ابوحنیفه رحمه الله حتی بر ضرورت شناخت ویژگی‌های اطرافیان تأکید کرده و می‌فرماید: «باید افراد نزدیک و محرمی داشته باشی که اخبار مردم را به تو برسانند» و «هرگز در دوستی با کسی اعتماد مکن، مگر آنکه او را بیازمایی» (البکری، ۱۹۹۸م، ص۱۸۳).

۳ .رعایت تفاوت‌های فردی: یکی از اصول تربیتی که آموزش و پرورش معاصر به آن توجه ویژه‌ای دارد، اصل رعایت تفاوت‌های فردی است. آزمایش‌ها و تحقیق های متعدد نشان داده‌اند که انسان‌ها از نظر توانمندی‌های ذهنی و روانی با یکدیگر متفاوت‌اند.

امام اعظم رحمه‌الله به این اصل توجه داشته و از شاگردش می‌خواهد: «پس به هر کس که نزد تو رفت‌وآمد می‌کند، گونه‌ای از علم را بیاموز که به آن توجه کنند، تا هر یک از آنان بهره‌ای از آن برگیرند» (البکری، ۱۹۹۸، ص ۱۸۵). این امر ریشه در کلام شریف پیامبر صلی الله علیه وسلم دارد که فرمودند: «أَنْزِلُوا النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ» (ابوداود، ۲۰۰۹، ۱۷۳). ترجمه: مردم را در جایگاه‌های خودشان قرار دهید. رعایت تفاوت‌های فردی بدین معناست که با یادگیرنده متناسب با سطح فهم و توانایی‌اش در درک معارف ارتباط برقرار شود (النجار، ۱۹۹۹م، ۲۰۱۸).

۴ .آموزش تدریجی (گام‌به‌گام): معلم پس از تحلیل ویژگی‌های دانشجویان و شناخت تفاوت‌های فردی، باید در ارائه مطالب علمی به‌صورت تدریجی عمل کند؛ یعنی متناسب با ظرفیت یادگیرندگان، از مباحث آسان‌تر به سمت مباحث دشوارتر حرکت کند (النجار، ۱۹۹۹م، ص۲۲۰). امام ابوحنیفه رحمه‌الله با این سخن، توجه شاگرد خود را به این مفهوم جلب می‌کند: «و آنان را با بخش‌های روشن و آشکار علم آموزش ده، نه با ظرایف و پیچیدگی‌های آن» (البکری، ۱۹۹۸م، ص۲۲۰). ایشان شاگردش را راهنمایی می‌کند که از آسان به سخت پیش برود تا شاگردان بتوانند مسائل را متناسب با سطح عقلی خود هضم کنند.

۵ .انگیزه‌بخشی و تشویق محصل: این امر از طریق تقویت پیوندهای محبت میان استاد و شاگردان صورت می‌پذیرد، به‌گونه‌ای که به مقام ومنزلت استاد و قداست علم خدشه‌ای وارد نشود. ایجاد این تعامل مثبت دوجانبه موجب غنای فعالیت‌های ذهنی محصلان شده و اعتماد به‌نفس آنان را پرورش می‌دهد (الجمل، ۲۰۱۴م، ص۲۱۰). امام ابوحنیفة رحمه‌الله در این باره می‌فرمایند: «با آنان انس بگیر و گاهی با آن‌ها شوخی کن و به گفت‌وگو بپرداز، چرا که این کار محبت می‌آورد و موجب استمرار در طلب علم می‌شود» (البکری، ۱۹۹۸م، ص۱۳).

محور سوم: اصول مربوط به شخصیت الگوگونهٔ معلم در وصیت نامهٔ امام اعظم رحمه الله

انتخاب معلم یا مربی، امانتی در دستان علماست؛ زیرا وی نقشی بنیادین در فرایند آموزش دارد. شکل‌دهی ذهن دانشجویان و پایه‌گذاری اصول رفتاری آنان بر دوش اوست. امام رحمه‌الله ویژگی‌های یک معلم الگو را برای شاگردش چنین تبیین کرده است:

۱ .احترام به علم و علما: امام ابوحنیفه رحمه‌الله می‌فرمایند: «اهل شرف را گرامی بدار – و مقصود از شرف در اینجا سن نیست، بلکه واژه‌ای عام است – و اهل علم را تعظیم کن، و سالخوردگان (اساتید) را وقار نِه» (البکری، ۱۹۹۸: ۱۴). کلمه «شیخ» گاه کنایه از کسی است که علمش فراوان است، زیرا از ویژگی‌های چنین فردی کثرت تجربیات و معارف اوست (نعمة، ۲۰۱۳م، ص ٦٨).

۲. مهارت‌های ارتباطی (مدارا و دلسوزی): امام ابوحنیفه می‌فرمایند: «با آنان مدارا کن و با گذشت رفتار نما، و هرگز در برابر هیچ‌یک از آنان تنگ‌حوصلگی یا بی‌قراری نشان نده، و همچون یکی از آنان باش» (البکری،۱۹۹۸م، ص ١٦). از دلِ مدارا، محبتی متولد می‌شود که محصلان را به درس علاقه‌مند کرده و زمینه‌ساز رفتارهای اخلاقیِ متمایزی در وی می‌گردد (الابراشی، ١٩٨٦م، ص۴۵).

۳. آراستگی ظاهری و وقار علمی: معلم باید دارای ظاهر و پوششی آراسته و متناسب با جایگاه علمی خود باشد. امام ابوحنیفة رحمه‌الله می‌فرمایند: «لباس‌هایت را نو (تمیز) نگه دار و بسیار از عطر استفاده کن»(البکری، ۱۹۹۸م، ص ۲۰). در همین راستا از امام مالك رحمه‌الله ابیات زیر نقل شده است:

حسّن ثيابكَ ما استطعتَ فإنها *** زينُ الرجالِ بها تُعزُّ وتُكرمُ

ودَعْ التخشُّنَ في الثيابِ تواضعاً *** فاللهُ يعلمُ ما تُسِرُّ وتكتُمُ

ترجمه: لباس‌هایت را تا حد توان نیکو گردان، که آن‌ها زینتِ مردانند و به واسطه آن‌ها عزیز و گرامی داشته می‌شوی.

و به گمان تواضع، لباس‌های خشن پوشیدن را رها کن؛ چرا که خداوند از آنچه در دل پنهان می‌کنی آگاه است).

همچنان نقل شده است که رسول خدا ﷺ نیز بخش قابل‌توجهی از مال خود را برای خرید عطر هزینه می‌کردند. چنانچه فرموده اند: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ: الطِّيبُ، وَالنِّسَاءُ، وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ». (أحمد،۲۰۵م ،٤٥٧/٥) ترجمه: "در این دنیای شما سه چیز در نزد من محبوب گشته اند زن صالح، بوی خوش، و نور چشمان من در نماز قرار دارد".

۴. آراستگی به مکارم اخلاق و صبر بر آموزش: معلم، الگو و سرمشقی است که محصلان در موقعیت‌های مختلف از رفتار او الگوبرداری می‌کنند. از این رو امام ابو حنیفة رحمه‌الله می‌فرمایند: «بر تو باد به مدارا، صبر، تحمل، حسن خلق و سعه‌صدر» (البکری، ۱۹۹۸م، ص ۲۰).

بحث و مناقشه

تحلیل و تحقیق وصیت‌نامه تعلیمی و تربیتی امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله به شاگردش یوسف بن خالد سمتی، افق‌های جدیدی را در زمینه تاریخ تعلیم و تربیهٔ اسلامی و تطبیق آن با علوم تربیتی مدرن می‌گشاید. این بخش به مناقشه و بررسی تحلیلیِ یافته‌های تحقیق در مقایسه با تحقیق های قبلی و تعامل با تئوری‌های تعلیمی معاصر می‌پردازد، یافته‌های این تحقیق با مقایسه به تحقیق «الجرجاوی و ابومرق (۲۰۰۰م) که بر وصایای لقمان حکیم در قرآن کریم تمرکز داشتند، یک تفاوت اساسی در نوع مخاطب و هدف اصلي مشاهده می‌شود؛ زیرا وصایای لقمان حکیم رحمه الله، الگویی از تربیتِ درون‌خانوادگی است که بر پایهٔ عقاید و اخلاق عمومی استوار است. اما وصیت‌نامه امام ابوحنیفه رحمه‌الله ، الگویی از هدایت مسلکی و تخصصی است. چون یوسف السمتی فردی است که بعد از تکمیل مبادئ اعتقادی قصد دارد به عنوان یک مفتی و معلم وارد جامعه شهر بصره شود. از این رو، امام ابوحنیفه رحمه‌الله اصول تعلیم وتربیهٔ حرفه‌یی همانند طرز مواجهه با مخالفان علمی، مدیریت زمان در تدریس و شیوه‌های جذب محصل را مطرح کرده است، تحقیق محمد نور ابراهیم (۱۴۳۱ ه.ق)» بر استخراج مضامین عبادی و اخلاقی از وصایای نبوی صلی الله علیه وسلم متمرکز بود. اما تحقیق حاضر نشان میدهد که اصول تعلیم وتربیهٔ امام ابو حنیفه رحمه الله اخلاقیات نبوی را به تکنیک‌های روان‌شناسی تعلیمی تبدیل کرده است. به طور مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به طور کلی به حسن خلق تاکید فرموده‌اند؛ اما امام ابوحنیفه رحمه الله این مفهوم را در قالب تطبیقي مثل: مدارا با شاگردان، شوخیِ به‌جا برای رفع خستگی ذهنی محصل و تعلیم تدریجی متناسب با سطح درک مفهوم‌سازی کرده است. این امر نشان می‌دهد که در قرن دوم هجری، علوم تربیتیِ اسلامی به سطحی از پختگی رسیده بود که اخلاق را به عنوان وسایل برای انگیزه‌بخشی تحصیلی به کار می‌گرفت، البته این تحقیق در واقع بیان گر پویایی مکتب اهل رأی در مقایسه با وصایای متأخرین است با نگاهی در تحقیق عبدالله الرحیلی (۱۴۳۰ ه.ق) که اصول تربیتی را در وصایای علمای قرن هفتم هجری بررسی کرده است، درمی‌یابیم که اصول تعلیم وتربیهٔ متأخرین، غالباً به دلیل شکلی بودن دارای ساختاری بسیار رسمی و گاه خشک هستند. اماوصیت‌نامه امام ابوحنیفه رحمه‌الله که متعلق به قرن دوم هجری است، سرشار از انعطاف‌پذیری، واقع‌گرایی و جامعه‌شناسی است. وصیت امام ابو حنیفه رحمه الله به برقراری ارتباط با توده مردم به عنوال مثال: سلام کردن حتی بر فرومایه گان برای تألیف قلوب و پرهیز از فخرفروشی علمی، نشان می‌دهد که مکتب فقهی کوفه، علم را محصور در حلقه‌های بسته مساجد نمی‌دانست، بلکه معلم را یک فرد فعال اجتماعی می‌پنداشت که موفقیتش در گرو شناخت دقیق بافت جامعه و روان‌شناسی مخاطب است، یکی از مناقشهٔ مهم این تحقیق ابتکار طرز العمل تعلیم وتربیهٔ امام ابوحنیفه رحمه الله و تطبیق آن با علم تعلیم وتربیهٔ مدرن است که در

تحقیق های قبلی کمتر به آن پرداخته شده، قوانین واصولی در کلام امام اعظم ابو حنیفة رحمه الله وجود دارد که امروزه به عنوان ارکان علم تعلیم وتربیهٔ مدرن پذیرفته می‌شوند. این امر، فرضیه وابستگی نظام‌های تعلیم وتربیهٔ را به الگوهای غربی به چالش کشیده و غنامندی میراث بومی اسلامی را اثبات می‌کند.

نتیجه‌گیری

از منظر تاریخی، مفهوم وصیت در فقه غالباً با انتقال دارایی‌ها پس از مرگ گره خورده است. اما متن مورد مطالعه نشان می‌دهد که علمای متقدم اسلامی، وصیت تربیتی را ابداع کرده‌اند که در ادبیات تحصیلي امروز معادل مفهوم مشاوره فارغ التحصیلی است. اقدام امام ابوحنیفه رحمه‌الله در آماده کردن شاگردش پیش از ورود به جامعه بصره، نشان‌دهنده درک عمیق ایشان از مفهوم گذار از محیط آکادمیک به محیط اجتماعی است. این امر با نظریات مدرن جامعه‌شناسی تعلیم وتربیه که بر ضرورت آماده‌سازی روانی و اجتماعیِ محصل برای ورود به بازار کار و جامعه تأکید دارند، کاملاً هم‌سو است.وصیت‌نامه امام ابوحنیفه رحمه‌الله تنها یک توصیه اخلاقیِ فردی نیست، بلکه یک سند معتبر برای مدیریت صنف و تعاملات اجتماعی است. پیوند عمیق میان فقه و اخلاق اجتماعی در سیره امام ابوحنیفه رحمه‌الله، الگویی جامع برای معلمان ومربیان مسلمان ارائه می‌دهد. توجه امام ابوحنیفه رحمه‌الله به شاگردانش، توانایی ایشان در تحلیل شخصیت محصل و پیگیری مستمر وضعیت محصلان حتی پس از پایان دوران تحصیل، از ویژگی‌های بارز این وصیت‌نامه است. توصیه‌های امام ابوحنیفه صرفاً تجربیات شخصی نیستند، بلکه کاملاً ریشه در وحی (آیه ۱۹۷ سوره بقره درباره تقوا) و سنت نبوی (احادیث مربوط به حسن خلق و قرار دادن افراد در جایگاه خودشان) دارند، توجه امام ابوحنیفه رحمه‌الله به مهارت‌های ارتباط غیرکلامی مثل: توصیه به پوشیدن لباس پاکیزه و استفاده از عطر توسط معلم، تنها یک دستور فقهیِ استحبابی نیست، بلکه در علم مدیریت کلاس امروز، تحت عنوان (کاریزمای معلم و اثر هاله‌ای) شناخته می‌شود. امام به شاگردش می‌آموزد که پیش از آنکه دانشجو تحت تأثیر عمق دانش فقه او قرار گیرد، تحت تأثیر ظاهر آراسته، وقار و محیط فیزیکیِ درس او قرار می‌گیرد. همچنین تأکید بر تعیین مکان مناسب و زمان مشخص برای تدریس، نشان‌دهنده ابتدایی‌ترین و در عین حال اساسی‌ترین اصول طراحی تعلیمی و ایجاد نظم ذهنی برای مخاطب است.

سپاسگزاری

بعد از سپاس وستایش پرور دگار عالم جای دارد از کسانیکه در تحریر وتهیهٔ این تحقیق همکاری داشتند سپاس گذاری نمایم به ویژه پوهنمل دکتور سیف الرحمن الهام که با اشتراك و همکاری ایشان

تحقیق حاضر ترتیب وتهیه گردیده است و همچنان از پوهنمل استاد ضیاء الدین حنیف کمال تشکر وامتنان دارم که در ترتیب منابع همکاری کردند.

پیشنهادات

۱. تدوین سرفصل‌های آموزشی برای اساتید و معلمان بر اساس اصول تعاملی و تربیتی امام اعظم ابوحنیفه رحمه‌الله.
۲. استخراج، تحلیل و بازتولید سایر وصایای علمای اسلام در قالب کتب راهنمای روش تدریس و مدیریت صنف.
۳. پرهیز از الگوبرداری صرف از مدل‌های تربیتی وارداتی(غربي وشرقي)، و تلاش برای احیا و بومی‌سازی روش‌های اصیلی همچون «تربیت مبتنی بر وصیت و الگو» در نظام‌های آموزشی خلافت اسلامي.

سهم نویسندگان در تحقیق

این تحقیق حاصل همکاری مشترک دو نویسنده است، و هر دو نویسنده در انتخاب مو ضوع، طراحی تحقیق، گرد آوری داده ها، تحلیل مطالب و نوشتن مقاله، معرفی منابع مشارکت داشتند.

تضاد منافع

هیچ گونه تضاد منافع بین نویسندگان وجود ندارد.

منابع

القرآن الكريم .القرآن الكريم.

الإبراشي، م. (١٩٨٦). *التربية الإسلامية وفلسفتها*. القاهرة، مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه.

ابن الحنائي، ع. (٢٠٠٥). *طبقات الحنفية*. بغداد، ديوان الوقف السني.

ابن حجر الهيتمي، ش. (د.ت.). *الخيرات الحسان في مناقب أبي حنيفة النعمان*. بيروت، دار الأرقم بن أبي الأرقم.

ابن عربي، م. (١٩٨٨). *الوصايا*. دمشق، دار الإيمان.

أبو الحاج، ص. (٢٠٠٥). *إمام الأئمة الفقهاء أبو حنيفة النعمان*. عمان، دار الوراق.

أبو داود، س. (٢٠٠٩). *سنن أبي داود*. دمشق، دار الرسالة العالمية.

أبو زهرة، م. (١٩٩٧). *أبو حنيفة: حياته وعصره - آرائه وفقهه*. القاهرة، دار الفكر العربي.

أبو شوشة، م. (٢٠٠٩). *التراث التربوي في المذهب الشافعي*. القاهرة، دار العلم والإيمان.

البكري، ع. (١٩٩٨). *تعليم المتعلم ومعه وصية أبي حنيفة*. دمشق، دار النعمان للعلوم.

بلوط، ع. و بلوط، أ. (٢٠٠١). *معجم تاريخ التراث الإسلامي في مكتبات العالم*. قيصري، دار العبة.

البغدادي، أ. (١٤٢٢هـ). *تاريخ بغداد*. بيروت، دار الغرب الإسلامي.

الترمذي، م. (١٤٠٨هـ). *سنن الترمذي*. بيروت، دار الكتب العلمية.

التمر، ع. (٢٠١٢). الوصايا في عصر صدر الإسلام. *مجلة جامعة تكريت للعلوم*، ٢٠(١)، ٢٤٥-٢٠٦.

التميمي، ن. (د.ت.). *المضامين التربوية لوصايا لقمان: أسس استراتيجية لتعزيز الهوية لمواجهة العولمة*. المدينة المنورة، الجامعة الإسلامية.

جابر، ع.، الشيخ، س. و زاهر، ف. (١٩٨٥). *مهارات التدريس*. القاهرة، دار النهضة العربية.

الجرجاوي، ز. و أبو مرق، ج. (٢٠٠٠). معجزة البناء القيمي للشخصية في وصية لقمان لابنه في القرآن. *مؤتمر الإعجاز في القرآن الكريم*، الخليل، جامعة الخليل.

الجمل، و. (٢٠١٤). *درجة توافر كفايات المعلم الناجح في الفكر التربوي الإسلامي لدى معلمي المرحلة الثانوية بمحافظات غزة وسبل تعزيزها* (رساله ماسترى اكارشناسى ارشد). الجامعة الإسلامية بغزة، غزة.

حسن، أ. (١٩٨٥). *نظرية التربية في القرآن وتطبيقاتها في عهد الرسول عليه الصلاة والسلام*. القاهرة، دار المعارف.

حلاق، ح. و سعد الدين، م. (٢٠٠٦). *المناهج العلمية في كتابة الرسائل الجامعية وتحقيق المخطوطات والعلوم المساعدة*. بيروت، دار بيروت المحروسة.

الذهبي، ش. (١٩٨٥). *سير أعلام النبلاء* (الطبعة الثالثة). بيروت، مؤسسة الرسالة.

الرحيلي، ع. (١٤٣٠هـ). *المضامين التربوية المستنبطة من وصايا علماء المشرق لأولادهم وتلاميذهم في القرن السابع الهجري وتطبيقاتها* (رساله ماسترى اكارشناسى ارشد). الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، المدينة المنورة.

سعيد، م. (١٤٢١هـ). *وصايا الآباء إلى الأبناء*. الرياض، دار أسامة.

السيد، ع. (٢٠٠٦). *التربية الإسلامية: أصولها ومنهجها ومعلمها*. القاهرة، دار طيبة للطباعة.

الشمري، هـ. (٢٠٠٣). *طرق تدريس التربية الإسلامية*. عمان، دار الشروق.

الصيمري، ح. (۱۹۸۵). *أخبار أبي حنيفة وأصحابه* (الطبعة الثانية). بيروت، عالم الكتب.

عطية، م. (۲۰۱۳). *المناهج الحديثة وطرق التدريس* (الطبعة الأولى). عمان، المناهج للنشر والتوزيع.

غاوجي، و. (۱۹۷۳). *أبو حنيفة النعمان إمام الأئمة الفقهاء*. دمشق، دار القلم.

فرحان، إ. (۱۴۰۲هـ). *التربية الإسلامية بين الأصالة والمعاصرة*. عمان، دار الفرقان.

الفريح، س. (۱۴۰۸هـ). *الوصايا في الأدب العربي القديم*. الكويت، مكتبة المعلا.

الفيروزآبادي، م. (۲۰۰۵). *القاموس المحيط* (الطبعة الثامنة). بيروت، مؤسسة الرسالة.

الفيومي، أ. (۲۰۱۰). *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*. دمشق، دار الرسالة العالمية.

محجوب، ع. (۱۹۷۸). *أصول الفكر التربوي في الإسلام*. دمشق، دار ابن كثير.

محمد، م. (۱۴۳۱هـ). *المضامين التربوية المستنبطة من الوصايا النبوية* (رساله پوهنتون/دانشگاهی). الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، المدينة المنورة.

المرزوقي، آ. (۱۹۹۵). مضامين تربوية من سورة البقرة. *دراسات تربوية واجتماعية*، (۷۱)، ۱۷۵-۱۵۸.

المطلق، ف. (۲۰۱۶). كفايات المدرس الناجح وصفاته من وجهة نظر الموجهين الاختصاصيين والطلبة. *مجلة اتحاد الجامعات العربية للتربية وعلم النفس*، ۱۴(۲)، ۸۲-۴۷.

المناوي، م. (۱۹۹۰). *التوقيف على مهمات التعاريف* (تحقيق م. الداية). بيروت، دار الفكر المعاصر.

النجار، ي. (۱۹۹۹). *النهج التربوية للعلماء والمربين المسلمين*. بيروت، دار ابن حزم.

يالجن، م. (۱۴۰۶هـ). *جوانب التربية الإسلامية الأساسية*. بيروت، دار الريحاني.